



**روان‌شناسی رؤیا**  
**در تفسیر کشف الاسرار**  
دکتر اسماعیل واعظ جوادی<sup>۱</sup>  
(دانشیار بازنشسته - دانشگاه اصفهان)

### چکیده

سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف نمونه‌ی کاملی از کتابی جامع در انسان‌شناسی است. در این پژوهش رؤیا و شخصیت‌براساس تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف علیه السلام در کشف الاسرار میبیدی تحلیل شده و به استناد نتایج آن، دو مکتب روان‌شناسی تجربه‌ی هوشیار و روان‌کاوی به طور کلی و برخی موضوعات فرعی مانند روان‌شناسی کودک و نوجوان، روان‌شناسی پیری و روان‌شناسی اجتماعی - که هر کدام به فراخور خویش دانش‌هایی گسترده هستند - نقد و بررسی شدند.

**کلید واژگان:** یوسف (ع)، رؤیا، تعبیر، تفسیر کشف الاسرار، روان‌کاوی، تجربه‌ی هوشیار

## مقدمه

اگر خواهی که چون یوسف از این زندان به در آیی

به دانش جان‌پرور نیک و سر در علم رؤیا کن (سنایی)  
 قرآن مجید، زیباترین و جامع‌ترین متن روان‌شناسی انسان است با این وجود  
 برخی عوامل همچون: غفلت ما از این منبع عظیم شناخت انسانی، علم زدگی  
 روشنفکران غیرمتعهد در تبلیغ اندیشه‌های بیگانه و فضای دین‌ستیز و غرب  
 ستایی که در گذشته حاکم بود، موجب رونق محصولات روان‌شناسی غرب شد و  
 مهجوریت معارف قرآنی و تضعیف باورهای دینی رادرنسل دانشگاهی فراهم آورد.  
 داده‌های فیزیولوژیکی و زحمات فیزیولوژیست‌ها و بیوشیمیست‌ها در روان  
 شناسی، قابل ارج و دارای اهمیت است. اما زیاده‌روی و افراط ایشان، آن‌گونه که  
 انسان را فقط بر اساس داده‌های فیزیولوژیکی و یا فعل و انفعالات شیمیایی  
 حیاتی تعریف می‌نمایند، قابل پذیرش نیست. زیرا پایگاه رفتار آدمی علاوه بر  
 عامل فیزیولوژیکی بر عوامل مذهبی، اجتماعی و فرهنگی نیز استوار است. مثلاً در  
 مبحث انگیزه و هیجان، گاهی ترشح یک غده‌ی درون‌ریز مثل هیپوفیز، انگیزه  
 ای برای بروز حالت هیجانی خاص می‌شود اما شنیدن یک حرف زشت برای فرد  
 اخلاقی همان حالت هیجانی را برمی‌انگیزد. بنابراین حالت‌های هیجانی در  
 جوامع و فرهنگ‌ها مختلف است.

روان‌شناسان معاصر به پنج‌نظرگاه و رویکرد عمده‌ی شناختی، روان‌کاوی،  
 پدیدارشناسی، عصبی-زیستی و رفتاری قایل می‌باشند (اتکینسون و هیلینگارد،  
 زمینه‌ی روان‌شناسی/ ۱۲؛ اصول روان‌شناسی، مان/ ۲۵) از میان این پنج  
 رویکرد روان‌شناختی، مکتب تجربه‌ی هوشیار و روان‌کاوی که در تحلیلی  
 تطبیقی بر مبنای نظرگاه روان‌شناسی تفسیر کشف الاسرار میبیدی و در پرتو  
 معارف قرآنی نقد و بررسی خواهند شد، مورد توجه بیشتری است



از این رو به بازشناسی تفسیر سوره‌ی یوسف - برابر با گزارش نوبه‌الثانیه و نوبه‌الثالثه این تفسیر که دارای بعد روان‌شناختی و کاشف اسرار و نهانی‌های جان آدمی است - می‌پردازیم.

### الف : رؤیای عصا

"پس یوسف روزی در میان برادران نشسته بود. خواب بر وی افتاد. ساعتی بخت. آنکه از خواب برآمد ترسان و لرزان. برادران گفتند: تو را چه افتاد؟ گفت در خواب نمودند مرا که از آسمان شخصی فروآمدی تازه روی، خوش بوی با جمال و بهاء و این عصا از من بستدی و همچنین عصاهای شما که برادران اید وهمه به زمین فرو زدی آن عصای من درختی گشت سبز. برگ‌ها برآورده و شکوفه در آن پدید آمده و میوه‌های گوناگون از آن در آویخته و مرغان خوش آواز به الحان رنگارنگ بر شاخ‌های آن نشسته و آن عصاهای شما همچنان به حال خود بر جای خود خشک مانده تا بادی برآمد و آن عصاهای شما همه از زمین برکند و به دریا افکند. برادران چون این بشنیدند غمگین گشتند و بر وی حسد بردند و گفتند: این پسر راحیل می‌خواهد که بر ما خداوند باشد و ما او را بندگان باشیم.

و هب منبه گفت: یوسف (ع) هفت ساله بود که این خواب دید و آنکه پس از پنج سال دیگر چون دوازده ساله گشت، آن خواب دید که ربّ العزه از وی حکایت می‌کند، انی رایت احد عشر کوکبا(میبیدی، تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار، ۶/۵) "

### بررسی

در بررسی رؤیای یوسف (ع) درباره‌ی عصا(پیشین، ۶)، می‌توان به موارد زیر در مورد عناصر رؤیا اشاره کرد:

- ۱- فرود آمدن شخصی تازه رو ، خوش بو و باجمال
- ۲- گرفتن عصا از دست یوسف و نیز عصای برادران
- ۳- کاشتن همهی عصاها در زمین که فقط عصای یوسف سرسبز شد و پرشاخ و برگ و میوه گشت و عصاهای برادران به همان حالت خشکی ماند تا با وزش بادی پراکنده شد.
- ۴- غمگین شدن برادران و این که بر وی حسد بردند و گفتند : این پسر می خواهد که بر ما حاکم شود.

**عناصر پیش رؤیایی**

منظور از این اصطلاح ، داده های حسی قبل از رؤیاست ، میبیدی پیش از آن که به نقل رؤیای عصا پردازد این ماجرا را نقل می کند: " و گفته اند که در میان سرای یعقوب درختی برآمده بود که هرگه که وی را پسری زادی شاخی تازه از آن درخت برآمدی و چنان که کودک می بالیدی و بزرگ می شدی، آن شاخ بزرگ می شدی . پس چون کودک به حدّ مردی رسیدی ، آن شاخ ببریدی و از وی عصا ساختی و به آن فرزند دادی که رسم انبیاء چنین بودی که هیچ پیامبر و پیامبرزاده بی عصا نبودی ... چون یعقوب را ده پسر زادند و با ایشان ده عصا چنان که گفتیم ، یازدهمین پسر یوسف بود و از آن درخت هیچ شاخ از بهر عصای یوسف برنیامد تا یوسف بزرگ شد و فرا دانش خویش آمد. برادران را دید هر یکی عصایی داشتند ، پدرخویش را گفت : «یا نبی الله لیس من اخوتی الا وله قضیب غیری، فادع الله ان یخصنی بعصاً من الجنه» پدر دعا کرد، جبرئیل آمد و شاخه چوبی آورد از بهشت از زبرجد سبز و به یوسف داد(همان، همان جا)".

از ماجرای فوق نکاتی چند روشن می شود:

- ۱- رؤیای عصا با آرزوی عصا داشتن ارتباط دارد.
- ۲- نظرگاه قرآن مجید با نظریه‌ی روان کاوی فروید که معتقد است : خواب محصول عقده های حاصله از امیال سرکوب شده‌ی انسان است(1/ freud,



(The Interpretation of Dreams)؛ متفاوت است زیرا در این صورت برای حضرت یوسف (ع) اگر آرزو و میل وجود داشت، سرکوب نشده بود بلکه ارضا شده بود و حتی بهتر از آنچه را که برادران داشتند اوداشت. و اصولاً رؤیا درمانی و یا خیال درمانی که یکی از چهارده نوع مکانیسم دفاعی انسان محسوب می شود، در اینجا معتبر نیست زیرا ناکامی یوسف (ع) برطرف شده بود و سپس رؤیا حاصل گشت.

۳- میبدی به نقل از ابن عیسی رویا را چنین تعریف می نماید: "الرؤیا تصور المعنی فی المنام علی توهم الابصار، قال و ذلک ان العقل مغمور فی النوم فاذا تصور الانسان المعنی، توهم انه يراه (میبدی، ۷)".

درباره روویا و تعبیر آن که پیشینه ای به درازی عمر بشر دارد باید افزود که خواب نامه ها طی رساله های ارسطو و میراث حکمای اسکندرانی و نیز آثار حکمای هندی و ایرانی وارد تمدن و فرهنگ اسلامی و توسط حکمای اسلامی بارور شد. در این میراث ارزشمند تا به روزگار ما که از جمله ای آن ها نظرگاه علامه طباطبایی (قدس سره) در تفسیر المیزان است (طباطبایی، ۱۱ / ۲۵۲)، رؤیا به سه نوع حسی، خیالی و عقلی تقسیم گردید که رؤیای صادقه ی یوسف (ع) منقول در نوبت الثانیه کشف الاسرار از نوع سوم است.

۴- در دیدگاه الهی، برتر از پایگاه فکری فروید به مسائل روانی می نگریم و هر چند که زحمات این دانشمند غیر قابل انکار است ولی این نردبان فکری، برای دسترسی به بام شامخ حقایق بسیار کوتاه است. نمونه ای آن همین رؤیای ابتدایی کودک هفت ساله است که از مقوله ای عقده های حاصله از امیال سرکوب شده نبود و در آن مکانیسم تصعید<sup>۱</sup> و بهینه سازی جبران به چشم می خورد. کودک بین عصای زبرجد نشان خویش با عصای برادران، مقایسه ای در ذهن خود داشت؛ یعنی در روز قبل وضعیت بی عصایی و محرومیت خود را با برادران

سنجید سپس این خواسته توسط جبرئیل (ع) آن هم با یک عصای برتر که سرسبزی زبرجد آن پایدار بود، جبران شد درحالی که سرسبزی چوب دستی های برادران ناپایدار بود. با وجود این صورت خیالی<sup>۱</sup> در رؤیا یوسف (ع) به صورت یک درخت سرسبز پدیدار گشت ولی چوب دستی برادران خشک شد و این خواب تعبیری از مکانیسم تحقیر (بنگریدبه: گنجی، روان شناسی عمومی) است، چون درخت سرای یعقوب (ع) برای یوسف (ع) شاخه ای نرویانند و احتمالاً برادران، از این جریان برای تحقیر یوسف (ع) استفاده کرده بودند و یوسف (ع) در خواب، آنان را خشک و بی حاصل دید.

۵- از عبارت زیبای "فرا دانش خویش آمد" ضمن مقایسه ای با جدول رشد ژان پیاژه - پدر روان شناسی کودک در قرن بیستم (بنگرید به: منصور دادستان تهران، دیدگاه پیاژه در گستره ی تحول روانی) - می توان چنین نتیجه گرفت که حضرت یوسف (ع) در مرحله ی سوم رشد قرار داشت، زیرا پیاژه به چهار مرحله ی اشاره می کند.

الف - مرحله ی زیستی - عصبی (تولد تا ۲ سالگی)

ب - مرحله ی پیش عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی)

ج - مرحله ی عملیاتی (۷ تا ۱۲ سالگی)

د - مرحله ی منطقی (از ۱۲ سالگی به بالا)

مطابق نقل کشف الاسرار حضرت یوسف ۷ سال داشت پس وارد مرحله ی سوم شده بود و نیز با دانش خویش، یعنی پیش خود حساب و بررسی کرد که چرا برادران عصا دارند و او ندارد.

۱- بحث صورخیال از مباحث بسیار گسترده و شیرین کتب حکمای اسلامی است ولی جهت اطلاع از نظریات روان شناسان به مقدمه ی روان شناسی، مهدی جلالی، تهران: امیرکبیر ۱۳۵۷ ش. مبحث ادراک حسی مراجعه نمایید.

۶- سمبل ها و نشانه ها خواه در رؤیای نخست یوسف (ع) (داستان عصا، درخت سرسبز و خشکی چوب دستی های برادران) و خواه در رؤیای صادقه ی دیگر یوسف (ع) (دیدن ۱۱ ستاره به نشانه ی ۱۱ برادر و خورشید و ماه به نشانه ی پدر و مادر) قابل تامل است که چون خارج از ملاحظه فعلی ماست صرف نظر و فقط به عبارت خواجه بسنده می شود. «اذ قال یوسف لابیہ انی رایت احد عشر کوباً» ابن عباس گفت: این یازده کوب، یازده برادر می خواهد از روی اشارت، می گوید چنان که ستارگان به نفس خود روشن اند و خلق به آن راه بر و ذلک فی قوله تعالی: «و بالنجم هم یهتدون» هم چنان برادران یوسف را روشنایی نبوت بود و با ایشان اهتداء خلق (میبیدی، ۱۱)»

با توجه به توضیحات میبیدی معنی دار بودن سمبل های رؤیای یوسف (ع) تا اندازه ای روشن می شود.

۷- تاکنون با کمک گرفتن از تحقیقات ژان پیازه و روان کاوی فروید و مکتب تجربه ی هوشیارویلهم وونت، مسأله رؤیای یوسف (ع) بررسی شد، لیکن خواجه با بیانی الهی نظرگاه ویژه ای مطرح می سازد: «اگر کسی گوید: یوسف کودک بود نارسیده که این خواب دید و معلوم است که در شرع فعل کودک را حکمی نبود، چون فعل وی را حکم نبود، خواب وی را حکم چون بود؟ جواب آن است که حصول فعل کودک، به قصد و آهنگ وی بود، روا باشد که در معرض تقصیر و نقصان با وی نسبت کنند، بلکه خواب نموده ی الهی است، کودک و بالغ در آن یکسان (پیشین، ۱۲)».

و در ادامه این مطلب استدلال می کند: «و کذلک یجتبیک ربک و یعلمک من تأویل الاحادیث» ... هر که را رقم سعادت ازلی و طراز دولت لم یزلی در بدایت کار بر حواشی روزگار او کشیدند، در نهایت نور هدایت تحفه ی وی گردانیدند و ینابیع علم و حکمت در ضمن سینه وی گشادند و نعمت دین و دنیا بر وی تمام کردند (همان، همان جا).»

البته این سخن خواجه مربوط به دانش تعبیر خواب است که بر حضرت یوسف (ع) به عطای ربانی و علم لدنی مرحمت شد و از نظر دانش کلام به ولایت تکوینی مربوط است.

۸- مطلب قابل توجه دیگر مسأله حسد و منشاء آن در برادران یوسف است که در نگرش روان‌شناسی جدید، همان مبحث انگیزه و هیجان است. در تحقیقات فراوانی که صورت گرفته، همواره حسد در بزرگ ترها نسبت به کوچک ترها پدید می‌آید و کوچک ترها گذشت و ایثار دارند (اتکینسون، پیشین، مبحث انگیزه و هیجان).

منشاء حسد، تعارض بین سطح مطلوب و سطح موجود است. البته این تعارض ناکامی‌های متعددی به بار می‌آورد که یک نوع آن، انگیزشی برای یک حالت هیجانی نهفته می‌شود.

منشاء و ماهیت حسد در نهج البلاغه و جوامع روایی، به ویژه در خصال صدوق، به طور مشروح بیان شد ولی جالب این جاست که خواجه حکایتی از معاویه بدین صورت نقل می‌کند: «یکی معاویه را گفت من تورا دوست دارم و این دوستی را هیچ عداوتی نیامیزد و هیچ حسدی مخلوط نسازد. معاویه گفت راست می‌گویی؟ آن مرد پرسید چگونه به صدق گفتارم باور داری؟ معاویه گفت زیرا نه تو نسبت برادری داری و نه همسایه نزدیک من هستی و نه در شغل و پیشه، همانند منی و حسد از این سه، سرچشمه می‌گیرد (میبیدی، ۸)».

### ب: خواب زندانیان

«ساقی گفت من به خواب دیدم که در بستانی بودم. از درخت انگور سه خوشه گرفتم و شیره از آن بیرون کردم و دردست من جام شراب بود. در آن جام می‌کردم و به ملک می‌دادم تا می‌خورد. و طبخ گفت من چنان دیدم که سه سلّه





بر سر داشتم و در آن خوردنی های رنگارنگ بود و سباع مرغان می آمدند از آن می خوردند ، اکنون ما را تعبیر این خواب بگوی (پیشین ، ۶۷)»

### بررسی

از این حکایت علاوه بر نمادهای مستقیم رؤیا، ارتباط نماد با وجدان شغلی<sup>۱</sup> ، بیان می شود و میبیدی به عنوان شاهد مثال می نگارد " کقولهم قیمته کل امری مایحسنة" ای یعلمه ، هرکس چندان ارزد که داند و هذا دلیل علی امرالرؤیا صحیح.. (همان ، همان صفحه)".

میبیدی از رسول اکرم (ص) روایت می کند که: " رؤیا یکی از ۴۶ جزء نبوت است و آن را به غیر صاحب نظر حکایت مکن ، چون انبیا (ص) از آینده خبر دهند، رؤیا نیز از آینده خبر دهد... (پیشین ، ص ۶۷)".

از این روایت، ارتباط رؤیا با آینده یا نتیجه‌ی کار در گذشته به لحاظ ارتباط با وجدان شغلی روشن می شود. به عبارت دیگر: گندم از گندم بروید جو ز جو ، یعنی هیچ گاه اثر فعل آدمی از بین نمی رود هرچند که موقتاً فراموش کند ولی حتماً در وجدان مغفوله ( وجود ناخودآگاه - ضمیر آدمی) سیر طبیعی و محاسبه‌ی عمل و پاداش صورت می گیرد و چون در بیداری ، شخص می کوشد آن را به خاطر نیاورد ، با این حال در هنگام خواب که دبیرخانه مغز یا غده تالاموس تعطیل می گردد. ولی اعصاب خودمختار بیدارند. انرژی پس روان (منع عصبی) آزاد می شود ، صور خیال تداعی آزادی می یابند و نتیجه‌ی کار به صورت روشن یا سمبل نمایان می شود.

برای اولین بار ، تعبیر رؤیا یا دانش خواب گزارنی توسط حضرت یوسف (ع) به عنوان تأویل الاحادیث یا روان کاوی رؤیا پایه گذاری شد و نمادشناسی و ربط آن

۱- اصطلاح وجدان شغلی را فروید در تعبیر رؤیا و از جهت ارتباط رؤیا با وقایع شغلی خواب بیننده مطرح می کند.

با وجدان شغلی و پیش بینی نتایج کار از مراحم و فضل پروردگار یکتا به یوسف صاحب جمال و کمال می باشد.

از رؤیا، در متون اسلامی به محاکات النفس نیز تعبیر شده است و این اگر در بیداری صورت گیرد در اصطلاح ویلهلم وونت، بانی روان شناسی تجربی، همان تجربه‌ی هوشیار است که نمونه‌ی آن را در تفسیر کشف الاسرار، به فراوانی می یابیم از جمله، علت طولانی شدن مدت زندانی یوسف: «یوسف اختیار زندان کرد، لاجرم او را با اختیار خود فرو گذاشتند تا روزگار دراز در زندان بماند و نتیجه آن زندان که خود خواست این بود که گفت: اذکرنی عند ربک تا رب العالمین او را عتاب کرد گفت: ... یا یوسف تو از ما زندان خودخواهی، آن گاه خلاص از دیگری جوئی و جز از من، و کیلی دیگر خواهی؟ به عزت من که خداوندم که تورا در این زندان روزگار دراز بدارم...» (پیشین، ص ۷۱)

میبیدی در ادامه از رویاهای آشفته یا اضغاث الاحلام چنین سخن به میان می آورد: «اضغاث احلام ای تخالیط احلام کاذبه لاحقیقه لها... الاحلام جمع حلم و هو ما یری فی النوم» (همان، ص ۷۶)

در این عبارت میبیدی اضغاث را آمیزش صور خیال در خواب دانسته است چون در بیداری به علت هوشیاری و کنترل آدمی خواه به صورت فعالیت تالاموس و ثبت و ضبط جریانات و خواه به علت اراده‌ی مصمم فرد برای انجام کارها، صورت خیال تداعی آزاد نمی پذیرد. چه اگر چنین اتفاقی برای شخص حاصل شود، او مبتلا به بیماری ملانکولیک یا مالیخولیا یا اسکیزوفرنی، شیتروفرنی، بریدگی و نظایر آن می باشد. پس زمان خواب که هنگام تداعی آزاد صورت خیال است، رؤیا به صورت اضغاث احلام شکل می گیرد اما اگر صور عقلی باشد، رؤیا صادق خواهد بود و واقعیت خارجی دارند. به همین لحاظ حضرت یوسف (ع) در تعبیر رؤیای پادشاه که هفت گاو لاغر، هفت گاو فربه را خوردند، فرمود: «تا در



سال های فراخی ذخیره نهند خشک سال را که در پیش بود و در آن ذخیره نهادن راه صواب با ایشان نمود از روی نصیحت و شفقت (پیشین ، ص ۷۸)».

در تحلیل رؤیای پادشاه مصر، از جمله این نکات قابل بررسی است:

۱- ارتباط وجدان شغلی پادشاه با دل مشغولی وی یا مسأله تأمین آذوقه‌ی مردم  
۲- سابقه‌ی قحط سالی در مصر

۳- ارتباط گاو با شخم زدن زمین کشاورزی

۴- تبدیل گاوهای فربه خوش خوراک به گاوهای لاغر بی علف در اثر قحطی

پس پیشینه‌ی رؤیا از یک طرف و احتمال حوادث قحط سالی از طرف دیگر، رؤیای ملک را اضغاث احلام نساخت و حضرت یوسف (ع) به علم لدنی که در هیچ مکتب و مدرسه‌ی ای جز در مکتب توحید فرانگرفته بود، حقایق آینده را که در عالم وقوع ثبت گردیده بود، در مرحله‌ی ظهور پیش بینی کرد.

### پیشنهاد

آنچه در این مختصر آمد به عنوان راهنمایی برای اساتید جوان است تا برای پایان نامه‌ها و رساله‌های خویش کوشا شوند زیرا میدان پژوهش در این زمینه بسیار وسیع است و علاوه بر کتب حکمای متقدم، کتب مستقلی نیز مانند تعبیر خواب حبیبش تفریسی و التخبیر فی علم التخبیر اندلسی، و وادی السلام فی تعبیر النوم و المنام نوری، در دست است که هرچند به صورت علمی و منظم، تدوین نگشته اند لیکن به عنوان منبع تحلیل، قابل استفاده اند.

### فهرست منابع

- ۱- اتکینسون، ریتا و ارنست. هیلگارد، زمینه روان شناسی ترجمه محمد تقی براهنی، تهران: رشد ۱۳۶۸ش.
- ۲- پیازه، ژان، دیدگاه پیازه در گستره تحول روانی، ترجمه م. منصور دادستان تهران: بعثت ۱۳۷۴ش.
- ۳- سبحانی، ع. اصول روان شناسی، تهران: فرخی، ۱۳۴۸ش.



۴- طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه ی المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی

۵- گنجی، حمزه، روان شناسی عمومی، تهران: بعثت، ۱۳۷۴ ش.

۶- فروید، زیگموند، رؤیا، ترجمه محمد حجازی، تهران: دادار، ۱۳۸۰ ش.

۷- مان، نرمال ل، اصول روان شناسی، ترجمه محمود صناعی، تهران: نشر اندیشه، ۱۳۷۱ ش.

۸- میبیدی، ابوالفضل رشید الدین، تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، به تصحیح علی اصغر حکمت، تهران، دانشگاه تهران: ۱۳۳۹ ش.

9- FREUD, SIGNED .THE INTER PRETATION OF DREAMS, LONDON:  
PELICAN BOOKS 1979